

مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی
دانشگاه شهید چمران اهواز، بهار ۱۳۸۷
دوره سوم، سال پانزدهم، شماره ۱
صص: ۱۷۹-۱۹۴

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۱۲/۲۵
تاریخ بررسی مقاله: ۸۶/۱/۲۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۷/۱۲/۲۰

مقایسه پیوستگی، انطباق پذیری، سطح ارتباط و رضایت زناشویی در متأهلین پرگذشت و کم گذشت اداره‌های دولتی شهر اهواز

دکتر رضا خجسته‌مهر*

ذبیح‌اله عباس‌پور**

دکتر غلامرضا رجبی***

چکیده

پژوهش حاضر به مقایسه پیوستگی، انطباق‌پذیری، سطح ارتباط و رضایت زناشویی متأهلین پرگذشت و کم گذشت می‌پردازد. روش پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای (پس رویدادی) است. نمونه پژوهش شامل ۲۷۰ نفر از کارکنان متأهل اداره‌های دولتی شهر اهواز بود که به صورت نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شدند. در این پژوهش از مقیاس گذشت خانواده، مقیاس پیوستگی و انطباق‌پذیری خانواده و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل واریانس نشان داد که متأهلین پرگذشت در مقایسه با متأهلین کم گذشت به طور معناداری میزان پیوستگی، انطباق‌پذیری، سطح ارتباط و رضایت زناشویی بیشتری دارند.

کلید واژه: گذشت، پیوستگی، انطباق‌پذیری، سطح ارتباط، رضایت زناشویی

* استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران
khojasteh_r@scu.ac.ir

** کارشناس ارشد رشته مشاوره خانواده

Zabihollahaspour@yahoo.com

*** استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران

Rajabireza@scu.ac.ir

مقدمه

(۲۰۰۴) معتقدند کسانی را که ما به آنها عشق

می‌ورزیم و دوستشان داریم، احتمال بیشتری می‌رود که به آنها آسیب برسانیم. ممکن است یکی از زوجها به طور عمدی یا سهوی به همسرش آسیب برساند، به او پرخاش کند یا حق او را ضایع کند و او را مورد رنجش قرار دهد. گذشت در رابطه زناشویی به عنوان تسهیل‌کننده‌ای برجسته، می‌تواند این رابطه آسیب‌دیده را ترمیم کند و باعث شناخت و صمیمیت بیشتری در زندگی زناشویی شود.

الگوی حلقوی پیچیده السون^۵ (۲۰۰۰) یکی از الگوهایی است که منطبق بر نظریه سیستمی است و به پیوستگی، انطباق‌پذیری و ارتباطات خانوادها و زوجها می‌پردازد. السون، بل و پورتنر^۶ (۱۹۹۲) معتقدند خانواده‌ها یا متعادل و یا نامتعادل هستند. در خانواده‌های متعادل از نظر پیوستگی، بین استقلال و جدایی افراد و وابستگی عاطفی آنها مرزهای مشخصی وجود دارد. افراد علاوه بر جدا بودن و داشتن خلوت‌های شخصی، با همسر خود روابط عاطفی و صمیمی نیز برقرار می‌کنند. همچنین، خودمختاری و استقلال از نشانه‌های رشد

زندگی بشر در وضعیتی مملو از خشونت، خشم، نزاع و بی‌اعتمادی است، که روابط و تعاملات بشری را در بر گرفته است. هیچ بنیاد انسانی، ملی، فرهنگی، کاری، ازدواج یا رابطه‌ای نیست که از تأثیرات خشم و نفرت و عدم تفاهم به طور کامل در امان مانده باشد (انرایت و نورث^۱، ۱۹۹۸). در بعضی موارد، این تخطی‌ها، با انتقام‌گیری و درخواست عقوبت روبرو می‌شود. درخواست عقوبت ممکن است به نوبه خود به تلافی‌جویی متقابل منجر شود. دور مار پیچ این عقوبت‌طلبی و تلافی‌جویی می‌تواند باعث تخریب رابطه‌هایی از جمله رابطه زناشویی شود. گذشت^۲ و جبران از مهمترین راهبردهای مهار این گونه رفتارهای پیچیده هستند (مک کلوگ، پارگامنت و تورسن^۳، ۲۰۰۰). از طرف دیگر، هیچ وقت تبادلات رفتاری و عاطفی اعضای خانواده و زوجها به طور مطلق مورد پذیرش و رضایت دیگر اعضای خانواده نیست. فینچام، بیچ و داویلا^۴

-
- 1- Enright, & North
 - 2- forgiveness
 - 3- McCullough, Pargament, & Thoresen
 - 4- Fincham, Beach, & Davila

-
- 5- Olson's circumplex model
 - 6- Olson, Bell, & Portner

شخصیتی هر انسان است. از این رو، هر یک از زوجها نیاز دارند تا حدودی آزادی‌های شخصی داشته و از همسر خود جدا باشند. در خانواده‌ها و زوج‌های نامتعادل نزدیکی، وفاداری و وابستگی در سطوح خیلی بالا یا خیلی پایین است. از طرف دیگر، آنچه باعث استحکام رابطه زناشویی می‌شود، روابط عاطفی نزدیک و صمیمیت بین زوجها است. تغییر و تحول در یک خانواده امری اجتناب‌ناپذیر است. تغییر نقش‌ها، تربیت فرزندان، تصمیم‌گیری و علایق متفاوت، چند مورد جزئی از تغییرات بی‌شمار خانواده محسوب می‌شوند. پویایی و انعطاف‌پذیری زوجها در برابر این ناهماهنگی‌ها از ویژگی‌های مهم یک خانواده است و نشانه‌ای از توانایی نظام خانواده و زوجها برای سازگار شدن با تغییرات کل نظام و اجزای آن است. السون و دیگران (۱۹۹۲) معتقدند خانواده‌ها و زوج‌هایی که انطباق‌پذیری لازم را دارند، می‌توانند در هر جهتی که موقعیت، مرحله چرخه زندگی و یا جامعه‌پذیری ایجاب می‌کند، حرکت کنند.

گذشت در رابطه زناشویی باعث دوام ازدواج (فنل^۱، ۱۹۹۳)، بهبود عملکرد ارتباطی

زوج‌ها (گوردون و باکوم^۲، ۱۹۹۸)، درمان مشکلات روانی زوجها (مالکوم و گرین برگ^۳، ۲۰۰۰) و بهبود سلامت جسمانی زوجها (تورسن، هریس و لاسکین^۴، ۲۰۰۰) می‌شود. پژوهش‌هایی که در حوزه گذشت انجام شده است، بیشتر به احساسات منفی مثل خشم اشاره می‌کنند که ناشی از نبود گذشت یا موانع بروز آن در خانواده هستند. اختلالاتی مثل خودشیفتگی، اضطراب، افسردگی، خصومت و نفرت با سطح پایین گذشت رابطه دارند (گیلبرت^۵، ۲۰۰۴).

برای بررسی پیوستگی، انطباق‌پذیری و ارتباطات خانواده، تحقیقات زیادی انجام شده و تقریباً تمام این تحقیقات به اهمیت این متغیرها بر عملکردهای خانواده، اشاره کرده‌اند. روتشلید، بیوار و بیوار^۶ (۱۹۸۲)، به نقل از گلا دینگ^۷، ۱۹۹۰، ترجمه بهاری، بهرامی، سیف و تبریزی، (۱۳۸۲) و السون (۲۰۰۰) معتقدند که اگر خانواده و زوجها سطح متناسبی از پیوستگی، انطباق‌پذیری و ارتباطات را در روابط خود داشته باشند،

- 2- Gordon, & Baucom
- 3- Malcolm, & Greenberg
- 4- Thoresen, Harris, & Luskin
- 5- Gilbert
- 6- Rothschild, Biwar, & Biwar
- 7- Glading

- 1- Fenell

می‌توانند در مواجهه با مشکلات، عملکرد مناسبی را نشان دهند. یکی از ویژگی‌های اساسی خانواده‌های سالم، برخورداری از انعطاف‌پذیری و انطباق با شرایط عادی در مواجهه با معضلات ناشی از رشد و تکامل و همچنین بحران‌های غیرمنتظره است.

گیلبرت (۲۰۰۴) نشان داد متغیرهای پیوستگی، انطباق‌پذیری و سطح ارتباطات پیش بین عضویت افراد در خانواده‌های پر گذشت و کم گذشت هستند. گیلبرت همچنین نشان داد بین خانواده‌های متوازن و خانواده‌های نامتوازن از نظر میزان گذشت تفاوت معنی‌داری وجود دارد و این تفاوت به سود خانواده‌های متوازن است. نتایج پژوهش مذکور نشان داد که بین خانواده‌های پرگذشت و خانواده‌های کم گذشت از نظر میزان رضایت زناشویی تفاوت وجود دارد.

فنل (۱۹۹۳) از زوج‌هایی که حداقل ۲۰ سال از ازدواجشان می‌گذشت و از رابطه زناشویی خود رضایت نداشتند خواست که ویژگی‌هایی را که باعث رضایت آنها از زناشویی می‌شود، معرفی کنند. آنها گذشت را یکی از ۱۰ اولویت اول برای رضایت زناشویی عنوان کردند.

گوردون و باکوم (۱۹۹۸) نشان دادند افرادی که همسر خاطی خود را می‌بخشند، عملکرد زناشویی سازگارانه‌تری دارند. همچنین، در یک رابطه زناشویی، هرچه گذشت بیشتری صورت گیرد، تصورات زناشویی مثبت‌تر می‌شوند، قدرت در رابطه زناشویی متعادل و برابرتر می‌شود و روابط صمیمانه و سازگارانه‌تری در زناشویی بوجود می‌آید.

ریپلی و ورثینگتون^۱ (۲۰۰۲)، به نقل از گیلبرت، (۲۰۰۴) به دو گروه از زوجها گذشت مبتنی بر همدلی آموزش دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل، در رفتارهای ارتباطی مثبت تفاوت معنی‌داری داشتند.

پالیری، رگالیا و فینچام^۲ (۲۰۰۵) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که گذشت می‌تواند کیفیت رابطه زناشویی را پیش‌بینی کند و همچنین مشخص شد که بین گذشت و کیفیت زناشویی در طول زمان، رابطه معنی‌دار وجود دارد.

آلیماند، آمبرگ، زیمپریچ و فینچام^۳ (۲۰۰۷) در پژوهش خود به بررسی رابطه

1- Ripley, & Worthington

2- Paleari, Regalia, & Fincham

3- Allemand, Amberg, Zimprich, & Fincham

گذشت صفت^۱، رضایت از رابطه و گذشت
 اتفاقی^۲ پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد
 که هم گذشت صفت و هم رضایت از رابطه
 با گذشت اتفاقی و آسیب‌های وارد شده
 رابطه معنی‌دار دارد. همچنین، نتایج این
 پژوهش نشان داد که گذشت صفت و
 گذشت اتفاقی با سطوح بالای رضایت از
 روابط، رابطه مثبت معنی‌دار و با سطوح پایین
 رضایت از روابط، رابطه منفی معنی‌داری
 دارند.

مایو، توماس، فینچام و کارنلی^۳
 (۲۰۰۸) در پژوهش خود به بررسی نقش
 گذشت در روابط خانوادگی پرداختند. نتایج
 این پژوهش نشان داد که گذشت هم بر
 صفات فردی و هم بر بسیاری از جنبه‌های
 روابط خانوادگی و زناشویی و محیط خانواده
 اثرهای مثبت و مؤثری دارد.

مک نولتی^۴ (۲۰۰۸) در یک پژوهش
 طولی تأثیرات تمایل زوجین به گذشت کردن
 را در ۷۲ زوج مورد بررسی قرار داد. نتیجه
 این پژوهش نشان داد که در کوتاه مدت
 گذشت پیش بین پیامدهای زناشویی است

ولی در بلندمدت، تعامل متغیر گذشت و
 متغیر رفتارهای منفی زوجین پیش بین
 پیامدهای زناشویی زوجین است. مک نولتی
 (۲۰۰۸) در ادامه گزارش نتیجه پژوهش خود
 بیان می‌کند افرادی که همسران آنها رفتار
 منفی کمتری دارند، در صورتی که گذشت
 بالایی داشته باشند، رضایت زناشویی بیشتری
 دارند؛ اما افرادی که با همسرانی ازدواج
 کرده‌اند که رفتارهای منفی فراوانی دارند، هر
 چقدر باگذشت‌تر باشند، رضایت زناشویی
 کمتری دارند.

بنا به آنچه بیان شد در پژوهش حاضر
 کوشش شده تا تأثیر سطوح متغیر گذشت
 (پرگذشت- کم گذشت) بر میزان پیوستگی،
 انطباق‌پذیری، سطح ارتباط و رضایت
 زناشویی کارکنان متأهل بررسی شود. بنابراین
 هدف این پژوهش کاربردی- نظری مقایسه
 متأهلین پرگذشت و کم گذشت در پیوستگی،
 انطباق‌پذیری، سطح ارتباط و رضایت
 زناشویی است.

با توجه به نتایج پژوهش‌ها در مورد
 تأثیر گذشت بر پیوستگی، انطباق‌پذیری،
 سطح ارتباط و رضایت زناشویی می‌توان
 فرضیه‌های زیر را مطرح کرد:

۱- میزان پیوستگی متأهلین پرگذشت

- 1- trait forgiveness
- 2- episodic forgiveness
- 3- Maio, Thomas, Fincham, & Carnelley
- 4- McNulty

- از متاهلین کم‌گذشت بیشتر است. میزان انطباق‌پذیری متاهلین پرگذشت از متاهلین کم‌گذشت بیشتر است. ۲- سطح ارتباط متاهلین پرگذشت از متاهلین کم‌گذشت بیشتر است. ۳- میزان رضایت زناشویی متاهلین پرگذشت از متاهلین کم‌گذشت بیشتر است. ۴- نمونه حائز نمره ملاک گروه پرگذشت، و ۱۱۰ نفر از نمونه حائز مدرک گروه کم‌گذشت در پرسشنامه گذشت خانواده بودند و ۱۳۰ نفر از افراد نمونه هم نمره ملاک گروه‌های پرگذشت و کم‌گذشت را احراز نکردند. روش پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای (پس رویدادی) است.

روش

ابزارهای پژوهش

- به منظور تعیین و تشخیص گروه‌های متأهل پرگذشت و کم‌گذشت، ۴۰۰ نفر از کارکنان متأهل اداره‌های دولتی شهر اهواز که با روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای و روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شده بودند، اقدام به تکمیل پرسشنامه گذشت خانواده^۱ (FFS) نمودند. کارکنان متأهل پرگذشت به کارکنانی اطلاق می‌شود که نمره گذشت آنها در پرسشنامه گذشت خانواده بیشتر از ۱۲۷، رتبه درصدی ۹۰ (خجسته‌مهر و عباس‌پور، ۱۳۸۵) است. کارکنان متأهل کم‌گذشت به کارکنانی گفته می‌شود که نمره گذشت آنها در پرسشنامه گذشت خانواده کمتر از ۱۱۱، رتبه درصدی ۳۰ (خجسته‌مهر و عباس‌پور، ۱۳۸۵) است. ۱۶۰ نفر از افراد

مقیاس گذشت خانواده-مقیاس گذشت خانواده توسط پلارد، اندرسون، اندرسون و جنینگز^۲ (۱۹۹۸) ساخته شده است. این مقیاس ۴۰ ماده دارد و از دو قسمت تشکیل شده است. ۲۰ ماده اول به روابط خانواده اصلی مربوط است و ۲۰ ماده بعدی به روابط زناشویی فعلی مربوط است. در ساخت این مقیاس از پنج مفهوم استفاده شده است. این پنج مفهوم عبارتند از: درک واقع بینانه^۳، تشخیص^۴ خطا، جبران^۵ عمل اشتباه، دلجویی کردن^۶، و احساس بهبودی^۷.

2- Pollard, Anderson, Anderson, & Jennings
3- realization
4- recognition
5- reparation
6- restitution
7- resolution

1- Family Forgiveness Scale (FFS)

مقیاس ۲ پیوستگی و انطباق‌پذیری خانواده* - مقیاس ۲ پیوستگی و انطباق‌پذیری خانواده^۳ (FACES-2) توسط السون و دیگران (۱۹۹۲) ساخته شده و دارای ۳۰ ماده است که ۱۴ ماده آن انطباق‌پذیری و ۱۶ ماده آن پیوستگی زوجها را می‌سنجد. نمره‌گذاری به وسیله مقیاس لیکرت است و پاسخ‌ها از ۱ (تقریباً هیچ وقت) تا ۵ (تقریباً همیشه) نمره‌گذاری می‌شوند. نمره‌های بالا در این مقیاس بیانگر آن است که زوجها از انطباق‌پذیری و پیوستگی بالایی برخوردارند و همچنین خانواده آنها دارای عملکرد مطلوبی است. پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برای پیوستگی ۰/۸۷، برای انطباق‌پذیری ۰/۷۸ و برای کل مقیاس پیوستگی و انطباق‌پذیری خانواده ۰/۹۰ گزارش شده است (السون، ۲۰۰۰). در پژوهش حاضر نیز پایایی به روش آلفای کرونباخ برای پیوستگی ۰/۹۱، برای انطباق‌پذیری ۰/۹۰ و برای کل مقیاس ۰/۹۵ به دست آمد. السون برای تعیین

نمره‌های بالا در این پرسشنامه نشانه این است که فرد در زندگی خود دارای گذشت بیشتری است و در مواردی که همسرش باعث رنجش او می‌شود، می‌تواند همسر خود را ببخشد. همچنین، نمره‌های پایین در این پرسشنامه نشانه این است که فرد در روابط زناشویی گذشت کمتری دارد.

پلارد و همکاران (۱۹۹۸) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس گذشت خانواده را ۰/۹۳ به دست آوردند. در پژوهش حاضر نیز ضریب پایایی پرسشنامه گذشت خانواده ۰/۹۲ به دست آمد. پلارد و همکاران به منظور تعیین اعتبار پرسشنامه گذشت خانواده آن را با مقیاس خودمختاری ورثینگتون^۱ و مقیاس اخلاقیات ارتباطی^۲ همبسته کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که پرسشنامه گذشت خانواده دارای اعتبار سازه قابل قبولی است. همچنین، در پژوهش حاضر برای بررسی اعتبار سازه پرسشنامه گذشت خانواده از مقیاس ارزیابی عملکرد خانواده استفاده شده است. نتایج این بررسی نشان داد که پرسشنامه گذشت خانواده از اعتبار سازه قابل قبولی برخوردار است.

*- این مقیاس توسط نویسنده اول مقاله از خارج کشور تهیه و برای نخستین بار در ایران ترجمه و تعیین روایی و پایایی شد.

3- Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scale (FACES-2)

1- Worthington Autonomy Scale (WAS)

2- Relational Ethics Scale (RES)

اعتبار مقیاس پیوستگی و انطباق‌پذیری خانواده، از مقیاس خود گزارشی خانواده^۱ استفاده کرد و نشان داد که مقیاس پیوستگی و انطباق‌پذیری خانواده دارای اعتبار سازه قابل قبولی است. در پژوهش حاضر برای تعیین اعتبار سازه مقیاس پیوستگی و انطباق‌پذیری خانواده از مقیاس ارزیابی عملکرد خانواده استفاده شد. ضریب اعتبار برای مقیاس پیوستگی، مقیاس انطباق‌پذیری و برای کل مقیاس پیوستگی و انطباق‌پذیری خانواده به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۶۴ و ۰/۷۵ به دست آمد، که همگی در سطح $p < 0/001$ معنی‌دار بودند.

پرسشنامه رضایت زناشویی

انریچ^۲ (ENRICH) - پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ یک ابزار ۱۱۵ ماده‌ای است و از ۱۴ خرده مقیاس تشکیل شده است. در این پژوهش، برای بررسی رضایت زناشویی و سطح ارتباط از دو خرده مقیاس این پرسشنامه استفاده شده است. نمره گذاری ماده‌ها به صورت صفر (کاملاً مخالفم) تا ۴ (کاملاً موافقم) تنظیم شده است. مهدویان

(۱۳۷۶، به نقل از ثنایی، ۱۳۷۹) ضریب پایایی، آلفای کرونباخ، این پرسشنامه را ۰/۹۴ گزارش کرد. در پژوهش حاضر ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) خرده مقیاس‌های رضایت زناشویی ۰/۸۵ و سطح ارتباط پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH) ۰/۸۰ به دست آمدند. همچنین، مهدویان (۱۳۷۶، به نقل از ثنایی، ۱۳۷۹) همبستگی بین خرده مقیاس‌های پرسشنامه رضایت زناشویی و پرسشنامه رضایت خانوادگی را بین ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و پرسشنامه رضایت از زندگی را بین ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ به دست آورد، که همگی در سطح $p < 0/001$ معنی‌دار بودند. ضرایب به دست آمده فوق نشان داد که پرسشنامه رضایت زناشویی از اعتبار سازه قابل قبولی برخوردار است. در پژوهش حاضر، ضرایب اعتبار سازه‌ای دو خرده مقیاس رضایت زناشویی و سطح ارتباط از طریق همبسته کردن آنها با مقیاس ارزیابی عملکرد خانواده به ترتیب ۰/۶۳ و ۰/۶۶ به دست آمدند که همگی در سطح $p < 0/001$ معنی‌دار هستند.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی این پژوهش شامل شاخص‌های آماری میانگین و انحراف معیار

- 1- Self- Report Family Inventory
- 2- Enriching as well as Nurturing Relationship Issue, Communication and Happiness (ENRICH)

کارکنان متأهل پرگذشت و کم گذشت در متغیرهای پیوستگی، انطباق پذیری، سطح ارتباط و رضایت زناشویی است. همان طور که از جدول ۱ مشاهده می شود، میانگین و انحراف معیار نمره های کارکنان متأهل پرگذشت در متغیرهای پیوستگی به ترتیب ۷۱/۶۶ و ۶/۱۱، در انطباق پذیری ۵۹/۸۴ و ۵/۴۹، در سطح ارتباط ۳۸/۳۱ و ۴/۷۲ و در رضایت زناشویی ۴۱/۸۵ و ۴/۵۶ به دست آمدند. همچنین میانگین و انحراف معیار نمره های کارکنان متأهل کم گذشت در متغیرهای پیوستگی به ترتیب ۵۲/۲۳ و ۸/۶۵، در انطباق پذیری ۴۴/۱۱ و ۷/۰۴، در سطح ارتباط ۲۵/۷۹ و ۴/۹۵ و در رضایت زناشویی ۲۹/۹۸ و ۵/۵۸ است.

برای بررسی فرضیه های پژوهش از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری (MANOVA) استفاده شد. سپس، از تحلیل واریانس یک راهه (در متن مانوا) استفاده شد. نتایج تحلیل واریانس متغیرهای پیوستگی، انطباق پذیری، سطح ارتباط و رضایت زناشویی (به عنوان متغیرهای وابسته) در سطوح متغیر گذشت مورد بررسی قرار گرفتند.

جدول ۲ نتایج آزمون معنی داری تحلیل واریانس چند متغیری را روی نمره های پیوستگی، انطباق پذیری، سطح ارتباط و رضایت زناشویی در گروه های پرگذشت و کم گذشت نشان می دهد. همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می شود، سطوح معنی داری همه آزمون ها نشان می دهد که بین دو گروه در حداقل یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنی دار وجود دارد.

جدول ۳ نتایج تحلیل واریانس یک راهه (آنووا) را بر روی نمره های متغیرهای پیوستگی، انطباق پذیری، سطح ارتباط و رضایت زناشویی در گروه های پرگذشت و کم گذشت نشان می دهد. همان طور که در جدول ۳ مشاهده می شود، کارکنان متأهل پرگذشت در مقایسه با کارکنان متأهل کم گذشت از پیوستگی ($F=499/6$) و انطباق پذیری ($p<0/0001$ ، $F=472/39$) و سطح ارتباط ($p<0/0001$ ، $F=522/378$) و رضایت زناشویی بیشتری ($p<0/0001$ ، $F=411/183$) برخوردارند این یافته ها به ترتیب فرضیه اول تا چهارم پژوهش را تأیید می کنند.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پیوستگی، انطباق‌پذیری، سطح ارتباط و رضایت زناشویی کارکنان متأهل پرگذشت و کم‌گذشت

کم‌گذشت		پرگذشت		متغیرها
شاخص‌های آماری		شاخص‌های آماری		
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۸/۶۵	۵۲/۲۳	۶/۱۱	۷۱/۶۶	پیوستگی
۷/۰۴	۴۴/۱۱	۵/۴۹	۵۹/۸۴	انطباق‌پذیری
۴/۹۵	۲۵/۷۹	۴/۷۲	۳۸/۳۱	سطح ارتباط
۵/۵۸	۲۹/۹۸	۴/۵۶	۴۱/۸۵	رضایت زناشویی

جدول ۲. نتایج آزمون‌های معنی‌داری تحلیل واریانس چند متغیری روی نمره‌های متغیرهای پیوستگی، انطباق‌پذیری، سطح ارتباط و رضایت زناشویی در کارکنان متأهل پرگذشت و کم‌گذشت

شاخص‌های آماری					آزمون‌ها
سطح معنی‌داری	F	درجه آزادی خطا	درجه آزادی فرضیه	مقدار	
۰/۰۰۰۱	۱۷۴/۰۷۲	۲۶۹	۴	۰/۶۹	اثر پیلایی
۰/۰۰۰۱	۱۷۴/۰۷۲	۲۶۹	۴	۰/۳۱	لامبدای ویلکز
۰/۰۰۰۱	۱۷۴/۰۷۲	۲۶۹	۴	۲/۱۸۳	اثر هتلینگ
۰/۰۰۰۱	۱۷۴/۰۷۲	۲۶۹	۴	۲/۱۸۳	بزرگترین ریشه روی

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس یک راهه (در متن مانوا) روی متغیرهای پیوستگی، انطباق‌پذیری، سطح ارتباط و رضایت زناشویی و متغیر مستقل در کارکنان متأهل پرگذشت و کم‌گذشت

شاخص‌های آماری					متغیرها
سطح معنی‌داری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	
۰/۰۰۰۱	۴۹۹/۶	۲۹۶۵۴/۴۲۷	۱	۲۹۶۵۴/۴۲۷	پیوستگی
۰/۰۰۰۱	۴۷۲/۳۹	۱۹۴۷۵/۳۵۲	۱	۱۹۴۷۵/۳۵۲	انطباق‌پذیری
۰/۰۰۰۱	۵۲۲/۳۷۸	۱۲۳۱۱/۸۶۱	۱	۱۲۳۱۱/۸۶۱	سطح ارتباط
۰/۰۰۰۱	۴۱۱/۱۸۳	۱۱۰۶۲/۹۴۶	۱	۱۱۰۶۲/۹۴۶	رضایت زناشویی

بحث و نتیجه گیری

به طور معنی داری از کارکنان متأهل کم گذشت بیشتر است. این یافته با پژوهش گیلبرت (۲۰۰۴) همسویی دارد. بنابراین، زوج‌هایی که از خود گذشت نشان نمی‌دهند، به احتمال خیلی زیاد در سطوح کرانه‌ای خیلی پایین انطباق‌پذیری (خشک) قرار می‌گیرند. در خانواده‌های آسیب‌زا^۱ و زوج‌هایی که بین آنها رنجش و آسیب بیشتری وجود دارد، تقاضا برای ضروری‌ترین یا خفیف‌ترین تغییرات می‌تواند موجب افزایش انعطاف‌ناپذیری و مقاومت خانواده شود؛ چرا که خانواده سرسختانه تلاش می‌کند قواعد کهنه خانوادگی خود را حفظ کند (گلدنبرگ^۲ و گلدنبرگ، ۲۰۰۰، ترجمه حسین شاهی برواتی، نقشبندی و ارجمند، ۱۳۸۲). افرادی که همسر خاطی خود را می‌بخشند، عملکرد زناشویی سازگارانه‌تری دارند؛ چون هرچه در یک رابطه گذشت بیشتری وجود داشته باشد، تصورات زناشویی مثبت‌تر می‌شوند، قدرت در رابطه زناشویی متعادل و برابرتر می‌شود و روابط صمیمانه و سازگارانه‌تری به وجود می‌آید. بنابراین، زوج‌ها می‌توانند خود را با موقعیت‌های جدید زندگی منطبق کنند.

نتایج مربوط به فرضیه اول نشان داد که پیوستگی کارکنان متأهل پرگذشت به طور معنی داری از کارکنان متأهل کم‌گذشت بیشتر است. نتایج پژوهش حاضر با پژوهش گیلبرت (۲۰۰۴) هماهنگ است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که ازدواج مجموعه‌ای از روابط صمیمی، احساسی، اجتماعی و ذهنی است که هر کدام از آنها ممکن است آسیب ببیند. زوج‌هایی که از خود گذشت نشان نمی‌دهند، به احتمال خیلی زیاد در سطوح کرانه‌ای خیلی پایین پیوستگی (گسسته) قرار می‌گیرند. از آنجایی که در روابط زناشویی آسیب و دلخوری اجتناب‌ناپذیر است، توانایی بخشیدن طرف مقابل و جلوگیری از کشمکش‌های زنجیره‌ای می‌تواند باعث تداوم این رابطه شود. همچنین، گذشت می‌تواند به طور بالقوه به کاهش عواطف تضعیف‌کننده، از جمله خصومت، تلخکامی و نفرت، کمک کند و این اثرهای منفی بر سلامت روان را بهبود بخشد. در نتیجه، فواصل و جدایی در این رابطه کمتر می‌شود و زوج‌ها تمایل بیشتری دارند که در کنار هم باشند.

یافته‌های مربوط به فرضیه دوم نشان داد که انطباق‌پذیری کارکنان متأهل پرگذشت

1- pathogenic
2- Goldenberg

نتایج مربوط به فرضیه سوم نشان داد که سطح ارتباط کارکنان متأهل پرگذشت به طور معنی‌داری از کارکنان متأهل کم‌گذشت بیشتر است. این یافته با یافته‌های گیلبرت (۲۰۰۴)، پالیری و دیگران (۲۰۰۵)، مک کلوج (۱۹۹۹)، رپلی و ورثینگتون (۲۰۰۲)، فینچام (۲۰۰۰) و فینچام و بیچ (۲۰۰۲)، آلیماند و همکاران (۲۰۰۷)، مایو و همکاران (۲۰۰۸) و مک‌نولتی (۲۰۰۸) هماهنگی دارد. وقتی در روابط زناشویی گذشت وجود داشته باشد، پرخاشگری کمتری رخ می‌دهد و زوجها به جای بحث و جدل، با گفتگو و صحبت کردن مسائل خود را حل می‌کنند. زوج‌هایی که از جانب همسر خود آسیب می‌بینند و در رابطه زناشویی، گذشت کمتری دارند، برای حل مشکلات خود اطمینان کمتری نشان می‌دهند، تمایل به اجتناب دارند و برای کنترل رفتارشان راهبردهای ضعیفی به کار می‌برند (گلادینگ، ۱۹۹۰، ترجمه بهاری و همکاران، ۱۳۸۲). وقتی که در این روابط گذشت وجود دارد، زوجها نسبت به یکدیگر پذیرش بیشتری دارند و به راحتی احساسات خود را با هم در میان می‌گذارند. بنابراین، زوجها به جای اینکه نقاط ضعف همدیگر را در نظر بگیرند و به دنبال متهم کردن یکدیگر و درگیری باشند، بیشتر ذهن خود را بر روی

نقاط قوت، توانایی‌ها و شایستگی‌های یکدیگر متمرکز کرده و با هم ارتباطات سازنده و مثبت‌تری را برقرار می‌کنند. نتایج مربوط به فرضیه چهارم نشان داد که رضایت زناشویی کارکنان متأهل پرگذشت به طور معنی‌داری از کارکنان متأهل کم‌گذشت بیشتر است. نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های فنل (۱۹۹۳)، گیلبرت (۲۰۰۴)، فینچام و بیچ (۲۰۰۲)، ریچاردز، (۱۹۸۸)، مک‌کلوج (۱۹۹۹)، آلیماند و همکاران (۲۰۰۷)، مایو و همکاران (۲۰۰۸) و مک‌نولتی (۲۰۰۸) همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که زوجها به طور اجتناب‌ناپذیری از یک سری مراحل چرخه زندگی عبور می‌کنند و این دوره‌های انتقالی با تغییراتی همراه است. زوج‌هایی که در برابر این تغییرات، انعطاف‌پذیری لازم را داشته باشند و بتوانند علاوه بر نقش‌های با ثبات، در مواقع لزوم نقش‌های خود را تغییر دهند، پایه‌های زندگی خود را محکم‌تر خواهند کرد و رضایت زناشویی بیشتری خواهند داشت. از این رو، وقتی در رابطه زناشویی گذشت وجود داشته باشد، تعارضات بین فردی به حداقل می‌رسد و زوجها به جای جدل و درگیری‌های فیزیکی و کلامی، صریح و روشن حرف می‌زنند، در

بحث‌ها خشک و انعطاف‌ناپذیر نیستند و عواطف متنوعی را به کار می‌گیرند و می‌توانند خوشحالی یا ناراحتی خود را با هم در میان بگذارند.

محدودیت عمده این پژوهش این است که نمونه پژوهش حاضر از میان جمعیت کارکنان متأهل انتخاب شده است و تعمیم نتایج این پژوهش به جمعیت‌های دیگر باید با احتیاط صورت گیرد. داده‌ها مربوط به یکی از زوجین است و عدم امکان استفاده از هر دو زوج در این پژوهش از محدودیت‌های این پژوهش است. نگرانی ناشی از ارزیابی جنبه‌های خانوادگی و

زناشویی یکی دیگر از محدودیت‌هایی بود که باعث شد آزمودنی‌ها در تکمیل ابزارهای پژوهش به طور محافظه‌کارانه‌ای عمل نمایند. آزمودن مدل‌های مفهومی از پیش‌آیندها و پیامدهای گذشت از طریق به کارگیری مدل معادلات ساختاری می‌تواند به شناسایی متغیرهایی کمک کند که اثرهای مستقیم و غیرمستقیمی بر گذشت دارند. اجرای طرح‌های آزمایشی مبتنی بر تأثیر آموزش گذشت بر کیفیت زناشویی و دوام آن، پیشنهاد دیگر پژوهش حاضر است.

منابع

فارسی

- ثنایی، باقر (۱۳۷۹). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران، انتشارات بعثت.
- خجسته‌مهر، رضا و عباس‌پور، ذبیح‌اله (۱۳۸۵). *هنجار‌یابی مقیاس گذشت خانواده* (در دست تهیه). دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- گلادینگ، ساموئل (۲۰۰۰). *خانواده درمانی*. ترجمه فرشاد بهاری، بدری السادات بهرامی، سوسن سیف و مصطفی تبریزی (۱۳۸۲). تهران انتشارات تزکیه، چاپ اول.
- گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت (۲۰۰۰). *خانواده درمانی*. ترجمه حمیدرضا حسین شاهی براواتی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند (۱۳۸۲). تهران، انتشارات روان.

لاتین

- Allemand, M., Amberg, I., Zimprich, D., & Fincham, F. D. (2007). The role of trait forgiveness and relationship satisfaction in episodic forgiveness. *Journal of Social and Clinical Psychology*, *26* (2), 199-217.
- Enright, R. D., & North, J. (1998). Introducing forgiveness. In R. D. Enright & J. North, *Exploring forgiveness*. Madison: University of Wisconsin Press.
- Fenell, D. (1993). Characteristics of long-term first marriages. *Journal of Mental Health Counseling*, *15*, 450-460.
- Fincham, F. D. (2000). The kiss of porcupines: From attributing responsibility for forgiving. *Personal Relationships*, *7*, 1-23.
- Fincham, F. D., & Beach, S. R. H. (2002). Forgiveness in marriage: Implications for psychological aggressions and constructive communication. *Personal Relationships*, *9*, 239-251.
- Fincham, F. D., Beach, S. R. H., & Davila, J. (2004). Forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of Family Psychology*, *18* (1), 72-81

- Gilbert, P. B. (2004). Analysis of the function of system variable within forgiving and unforgiving families. *Journal of Family Therapy*, 22, 144-167.
- Gordon, K. C., & Baucom, D. H. (1998). Understanding betrayals in marriage: A synthesized model of forgiveness. *Family Process*, 37, 425-449.
- Maio, G. R., Thomas, G., Fincham, F. D., & Carnelley, K. B. (2008). Unraveling the role of forgiveness in family relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 94 (2), 307-319.
- Malcolm, W. M., & Greenberg, L. S. (2000). Forgiveness as a process of change in individual psychotherapy. New York: The Guilford Press.
- McCullough, M. E. (1999). Enright Forgiveness Inventory, U.S. Version. *Measures of Religiosity*, 15, 457-460.
- McCullough, M. E., Pargament, K. I., & Thoresen, C. E. (2000). Forgiveness: Theory, research, and practice. New York: Guilford Press.
- McNulty, J. K. (2008). Forgiveness in marriage: Putting the benefits into context. *Journal of Family Psychology*, 22 (1), 171-175.
- Olson, D. H. (2000). Circumplex model of marital & family systems. *Journal of Family Therapy*, 22, 144-167.
- Olson, D. H., Bell, R., & Portner, J. (1992). FACES II. Family inventories manual. Minneapolis: Life Innovations.
- Paleari, F. G., Regalia, C., & Fincham, F. D. (2005). Marital quality, forgiveness, empathy, and rumination: A longitudinal analysis. *Journal of Social Behaviour and Personality*, 3, 368-378.
- Pollard, M., Anderson, R., Anderson, W., & Jennings, G. (1998). The development of family forgiveness scale. *Journal of Family Therapy*, 20, 95-109.
- Richards, N. (1988). Forgiveness. *Ethics*, 99, 77-79.
- Ripley, J. S., & Worthington, E. L. (2002). Hope-focused and forgiveness-based group interventions to promote marital enrichment. *Journal of Counseling & Development*, 80, 452-463.

Thoresen, C. E., Harris, A. H. S., & Luskin, F. (2000). *Forgiveness and health: An unanswered question*. New York: The Guilford Press.

Worthington, E. L. (1998). *Dimensions of forgiveness*. Radnor: Templeton Foundation Press.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.